

ارزش‌های زیباشناسی مثبت‌کاری ایران در دوران شاه‌طهماسب صفوی

قباد کیانمهر* - دکتر مجتبی انصاری**
دکتر محمود طاووسی*** - دکتر حبیب‌الله آیت‌اللهی****

تاریخ دریافت مقاله: ۸۲/۶/۲۹
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۳/۹/۷

چکیده:

این مقاله به بررسی و معرفی ویژگی‌های زیباشناسی مثبت‌کاری سبک صفوی می‌پردازد. از آنجا که مثبت‌کاری صفویان در دوران شاه‌طهماسب به کمال خود می‌رسد لذا در این تحقیق آثار مثبت‌شده مربوط به زمان وی به طور مشاهده میدانی مورد تحلیل قرار گرفته است.

اصول زیباشناسی مثبت‌کاری صفوی نه تنها از لحاظ مفاهیم ریشه در باورهای هنرمندان آن دارد بلکه به لحاظ تجسمی نیز توانسته با ایجاد تحولات و ابداعات بر وحدت و جاذبه بصری این رشته هنری بیافزاید. این ویژگی نه تنها سبک مذکور را به وجود آورده بلکه می‌تواند در هر زمان جهت بالابردن کیفیت هنری این رشته بکار آید.

هنر مثبت‌کاری ایران در زمان حکومت شاه‌طهماسب مانند اوضاع سیاسی و اجتماعی آن در طی چند مرحله شکل گرفته و رشد نمود. از این رو می‌توان هنر مثبت‌کاری این دوره تاریخی را از نظر میزان رشد و تحولات هنری به سه مقطع زمانی تقسیم نمود.

واژه‌های کلیدی:

مثبت‌کاری ملی ایران، مثبت‌کاری صفوی، مثبت‌کاری دوران طهماسبی.

* دانشجوی دوره دکتری پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیئت علمی گروه آموزشی صنایع دستی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان.

E-mail: keeyanmehr.qubad@aui.ac.ir

** استادیار گروه آموزشی معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
*** استادیار گروه آموزشی پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
**** دانشیار گروه آموزشی پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.

مقدمه

به‌عنوان پایه دیگر اعتقادی خود قبول داشتند، از طرفی ارتباط تشیع با فرهنگ ایران باستان را از ارکان دیگر ایدئولوژی خود می‌دانستند.^۱

هنر منبت کاری ایران در زمان حکومت شاه طهماسب همانند اوضاع سیاسی و اجتماعی آن در طی چند مرحله شکل گرفته و رشد نمود، این رشد که در زمینه‌های اجرایی و طراحی این رشته هنری قابل مشاهده است در طی سه مرحله به کمال نهایی خود رسید و از این رو می‌توان هنر منبت کاری دوره طهماسبی را به سه مقطع زمانی تقسیم نمود که در این مقاله به شرح آن پرداخته خواهد شد، خصوصیات هنر منبت کاری در هر یک از این مقاطع دارای تحولاتی شده و زمینه لازم را برای مقطع بعدی فراهم می‌سازد.

دوران سلطنت شاه طهماسب را می‌توان نقطه عطفی در منبت کاری صفویان دانست زیرا مقدماتی که در دوران پدرش فراهم گشته بود در زمان وی به بلوغ این رشته هنری منجر شد، نشانه‌های این تحول را می‌توان در مفاهیم موجود، نمادها و نقوش منبت کاری این دوران ملاحظه نمود، از طرفی می‌توان به کارگیری این مضامین را در حد وسیعی از آثار چوبی کشور شاهد بود.

شاه طهماسب مانند پدرانش اعتقاد شدیدی به اصول طریقت صفوی داشت، وی از تشیع به عنوان شالوده‌ای از پایه‌های حکومت خود استفاده کرد، از نظر معتقدین به طریقت صفویه تشیع به عنوان محور اصلی ایدئولوژی مطرح است، لیکن این افراد تصوف را که از قرون اولیه اسلامی همبستگی نزدیکی با تشیع پیدا نموده بود

ب- مقطع دوم هنر منبت کاری در دوران حکومت شاه طهماسب

آثار منبت شده موید آنند که در طی سال‌های ۹۵۰ تا ۹۶۰ هجری تحولات جدیدی در ویژگی‌های هنری منبت کاری پدید می‌آید. آثار موجود موید آن است که هیچیک از اشیاء هنری منبت شده مربوط به این دهه در تبریز ساخته نشده بلکه در آباد و کاشان و نورمازندران به معرض اجرا درآمده‌اند، اگرچه در روی کتیبه این اشیاء نام سازنده و محل آن ذکر شده ولی نمی‌توان احتمال داد که حتی طراحی آن نیز در تبریز انجام شده باشد زیرا شباهتی بین طرح این آثار و تذهیب تبریز وجود ندارد. جهت مشخص تر شدن خصوصیات این آثار در اینجا به تشریح آن پرداخته می‌شود.

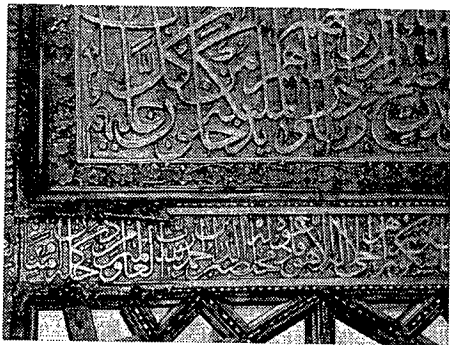
۱- در بقعه امامزاده سلطان علی (اردهال) -

شاه طهماسب به علت تعصب مذهبی خود نسبت به تشیع علاقه زیادی به خاندان حضرت علی (ع) داشت، یکی از اماکنی که خیلی مورد توجه وی بود آستانه حضرت سلطان علی در اردهال است. حضرت سلطان علی فرزند امام محمد باقر (ع) است که در ناحیه اردهال واقع در شمال غرب کاشان به شهادت می‌رسد، بنا به دستور شاه طهماسب در پی بزرگ و زیبا برای آرامگاه وی در اردهال ساخته می‌شود کتیبه موجود بر روی این در که بر اساس خط ثلث جلی منبت شده حکایت از آن دارد که در توسط

الف - مقطع اول هنر منبت کاری در دوران حکومت شاه طهماسب

دوره اولیه هنر منبت کاری در زمان حکومت شاه طهماسب مربوط به دودمان اولیه حکومت وی یعنی سال‌های ۹۳۰ تا ۹۵۰ هجری است. این دو دهه مصادف است با جنگ‌های داخلی و مرزی کشور که در طی آن بسیاری از طبقات اجتماعی و مناطق کشور تحت تاثیر قرار می‌گیرد. اگرچه در طی این دو دهه هنر نگارگری ایران در مکتب تبریز تا حدی مسیر خود را می‌یابد ولی هنر منبت در حال رکود است، در این مقطع زمانی منبت‌کاران ناحیه ابیانه و آران و نورمازندران فعالیت نسبی دارند ولی در کار آنها تحول چندانی نیز بروز نمی‌کند.

منبت ناحیه ابیانه در این دوران بیشتر بر روی درهای منازل اجرا شده، شیوه آنها به طور بسیار ساده بوده چنانکه گاهی به صورت کتیبه‌هایی به خط ثلث و گاهی به صورت شیارهایی است که بر اساس نقش هندسی ایجاد شده‌اند، نقش هندسی مبنا در اجرای این آثار بر اساس هندسه ایرانی مدنظر بوده، مهم‌ترین نقش هندسی مورد نظر در این درها طرحی موسوم به گره‌ده تند است زیرا شمسه میانی آن دارای ده پره است. اشیاء منبت شده این دوره در آران کاشان نیز همین شیوه را دارد، از نمونه بارز آن می‌توان به منبری در مسجد روستای نقشینه اشاره کرد.



تصویر ۳ - نمای نزدیک از در مربوط به صفا شاه طهماسب در حرم رضوی (ع)

این درها نیز به روش گره چینی ساخته شده ولی ستاره‌های آن حالت دوازده پره دارد (گره دوازده تند) لیکن روی قاب‌ها و صفحات آن منبتی انجام شده که علاوه بر کتیبه‌های مذکور شامل ختایی‌ها نیز هست. و عناصر ختایی این درها شامل گل پنج پره گرد و غنچه اناری است که غنچه اناری آن از مشخصات منبت صفوی به‌شمار می‌رود (تصویر ۲)

۳- صندوق بقعه امامزاده محمد - این صندوق

که هم اکنون در محل بقعه در نور مازندران نگهداری می‌شود به شیوه گره چینی لقط دار و براساس نقش هندسی ده تند ساخته شده. هنرمندان منبت‌کار این ناحیه بر روی لقط‌های این صندوق اقدام به کنده کاری نموده اند که شیوهٔ روسازی آن نسبت به آثار قبلی دوران شاه طهماسب دارای تراکم و پرکاری بیشتر است و ضمن اینکه حالت مقعر دارد از حمیل‌های ظریف زیادی برخوردار است.

کنده کاری انجام شده بر روی لقط‌ها یک نوع ترکیب بندی ترنجی متقارن بوده که عناصر اسلیمی آن شامل چنگهای دهن اژدری و عناصر ختایی آن شامل گل‌های اناری و پنج پر

است (تصویر ۴)

تصویر ۴ - نمای سمت جلویی صندوق بقعه امامزاده محمد - مازندران

بر کتیبه این صندوق که به خط ثلث نوشته

شده قسمت‌هایی از سوره بقره و صلوات بر چهارده معصوم - سوره یس و دعای نادعلی کبیر به چشم می‌خورد و سپس به‌سال ۹۵۶ و سازنده علاءالدین بن محمدنجار لباسانی و بانی السعید ملک بیستون دارد که این شخص از طرفداران طریقت صفویه در مازندران بوده است. (ستوده، منوچهر، ۱۳۵۱، جلد سوم)

۴- در بقعه سلطان عطا بخشی - از این مقطع حکومتی

شاه طهماسب در دیگری نیز در ناحیه امامزاده عطا بخش کاشان موجود است که در کتیبه آن آمده: "وقف هذا الباب مشهد علی ابن سلطان فخر الامم موسی ابن جعفر الصادق علیهما السلام - استاد

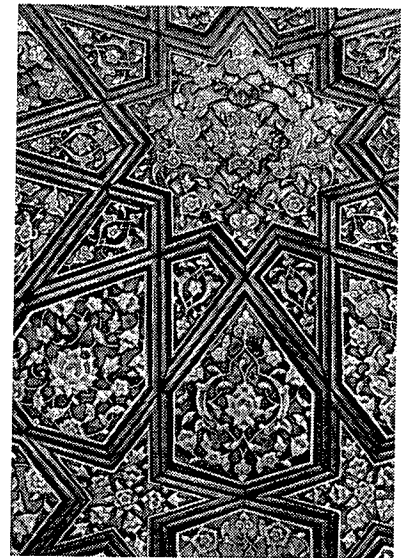
استاد حسین جوشقانی در سال ۹۵۰ هجری ساخته شده^۲. در قسمت دیگری از کتیبه این در علاوه بر صلوات بر چهارده معصوم شعری نیز آمده عبارت است از:

شد تمام این در به دور سلطان عدل جهان

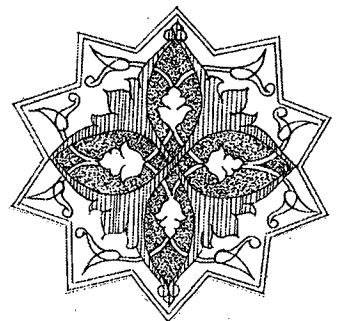
شاه طهماسب حسینی نایب صاحب زمان

نجاری این در به شیوه گره چینی است^۳ که براساس نقش هندسی موسوم به گره ده تند (که دارای ستاره ده پره نوک تیز است) ساخته شده و بر روی اکثر قطعات آن کنده کاری ریزی صورت گرفته کنده کاری انجام شده براساس نقوش اسلیمی و ختایی‌ها است^۴ و هیچ گونه نقش حیوان یا انسان در آن مشاهده نمی‌گردد. (تصویر ۱)

منبت انجام شده بر روی قطعات این در به نحوی است که طرح مبنای آن بر حالت‌های ترنجی تاکید دارد و حتی نوعی از آن موسوم به (ترکیب بندی ترنجی با ساقه ضربدری)^۵ که در شمسه میانی این در اجرا شده منسوب به خود شاه طهماسب است (تصویر ۲). از جمله عناصر خاص که در این در تاکید زیادی بر آن شده گل اناری (موسوم به شاه عباسی)^۶ است که از عناصر ایرانی و خاص دوره صفوی به‌شمار می‌رود.



تصویر ۱ - مربوط به در ورودی امامزاده سلطان علی اردهال - صفا میانی در شامل نقش هندسی ده تند - داخل لقط‌ها ترکیب بندی ترنجی با ساقه ضربدری



تصویر ۲ - مربوط به در ورودی امامزاده سلطان علی - نقش ترسیمی از ترکیب بندی بکار رفته در داخل لقط شمسه ایی

۲- درهای صفا طهماسبی - شاه طهماسب به علت

ارادت خاصی که به امام رضا (ع) داشت بعد از دفع حمله ازبکها دستور داد تا صفا ایی به نام وی در آن مکان مقدس بسازند. از صفا شاه طهماسب سه در منبت شده درموزه آستان قدس رضوی موجود است که دو تای آن مربوط به دوران پایتختی تبریز می‌باشد.

کتیبه‌های موجود بر روی دو در مذکور که براساس خط ثلث منبت کاری شده شامل آیاتی از قرآن کریم و صلوات کبیره می‌باشد و در ضمن حکایت از ساخت آنها در سال ۹۵۲ هجری به دست شخصی به نام خان عباس سلطان آباده ایی^۷ دارد و نشان می‌دهد که در این دوران علاوه بر جوشقان در ناحیه آباده نیز هنر منبت کاری از رونقی خاص برخوردار بوده.

در منبت شده‌ای نگهداری می‌شود که از بقعه شیخ صفی به آن محل منتقل شده است. آزمایشات سال‌یابی قدمت این در را در حدود ۹۶۵ تا ۹۷۰ هجری نشان می‌دهد، کتیبه ناخوانایی نیز در کنار دماغه این در موجود است^۴ که از آن سال ۹۶۵ هجری استنباط می‌گردد. این در به احتمال زیاد توسط شاه طهماسب برای بقعه جدش شیخ صفی سفارش داده شده و اندازه‌های آن نیز با یکی از ورودی‌های قندیل خانه مقبره مذکور هم خوانی دارد.

اگر چه در کتیبه‌های این در نام سازنده مشخص نیست ولی اشعار عرفانی آن در زیر آمده اشاره به اعتقادات عرفانی سازنده یا بانی دارد:

دیده روشن از سجود خاک این در شد مرا
شکرها کردم که این دولت میسر شد مرا
بحسب اَشْهَادِ لَآ اِلهَ اِلَّا اللهُ
گشاده باد به دولت همیشه این درگاه

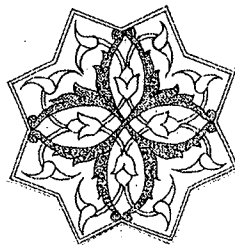
میرزا علی پولاد فروش فی سنه تسع و خمسين و تسعاعماثه" که نشان می‌دهد این مکان نیز متعلق به برادر امام رضا (ع) و در مذکور در سال ۹۵۹ هجری برای آن ساخته شده.



تصویر ۵ - نمای نزدیک از صفا پایینی در بقعه امامزاده عطاءبخش کاشان - شامل گره چینی بر اساس نقش هندسی هشت و طبل

این در نیز به شیوه گره چینی ساخته شده که نقش هندسی آن اصطلاحاً به "هشت و طبل" موسوم است، زیرا یک ستاره هشت پره در میان دارد. تصویر (۵) این نقش هندسی در هنر گره چینی ایرانی بسیار اصیل است و قدمت شکل ستاره ای آن به دوره ساسانی بر می‌گردد.

البته در روی اکثر قطعات این در منبت فشرده ایی انجام شده که مبنای آن علاوه بر کتیبه یاد شده شامل نقوش اسلیمی و ختایی نیز هست (تصویر ۶) این نقوش نیز بر حالتی ترنجی تاکید دارد و نقش "ترنجی با ساقه ضربدری" که در اردهال نیز ملاحظه شد در اینجا مجدداً اجرا شده است.



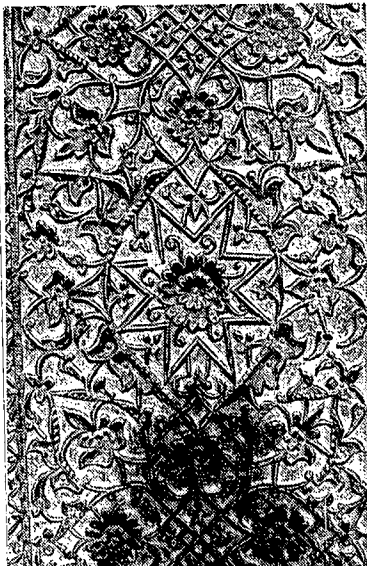
تصویر ۶ - مربوط به در ورودی بقعه عطاءبخش کاشان نمای ترسیمی از ترکیب بندی بکار رفته در لفظ شمشه ایی میانی

۱-پ- مقطع سوم هنر منبت کاری در دوران حکومت شاه طهماسب

آثار منبت شده موجود از سال ۹۶۰ هجری تا سال‌های آخرین زندگی شاه طهماسب سندی است که نشان می‌دهد منبت کاری ایران در این مقطع زمانی در حال رسیدن به تکامل نهایی است. به دنبال تاسیس مکتب هنری مشهد و سبزوار منبت کاری سبک صفوی نیز از حدود سال ۹۶۵ هجری به بعد به حد اکثر ظرافت خود می‌رسد، به نظر می‌رسد از طرف مرکز نسبت به همه آنها کنترل خاصی صورت می‌گرفته و یا طرحی برای آنها ارسال می‌شده به همین دلیل می‌توان آن را گامی در تکامل منبت ملی دانست. جهت اثبات این موضوع به نمونه‌های بارز منبت کاری این دوران اشاره می‌شود.

۱- در بقعه شیخ صفی - هم اکنون در موزه چهلستون

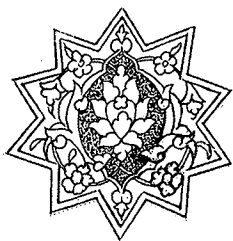
نجاری این در به صورت قاب و صفحه^۴ می‌باشد و روی همه نواحی آن منبت پرکار و کم عمقی^۱ ملاحظه می‌گردد که علاوه بر کتیبه، طرح هندسی و اسلیمی و ختایی نیز دارد، تنها طرح هندسی اجرا شده در روی این در ناحیه میانی آن است که به صورت یک شمشه هشت پره اجرا ولی منبت سایر نواحی بر اساس اسلیمی‌ها و ختایی‌هاست که در ترکیب بندی همه آنها بر حالت ترنجی تاکید شده (تصویر ۷)، و به علاوه نقش " ترنجی با ساقه ضربدری" نیز که به طرح "طهماسبی" معروف و در پایین در اجرا شده است.



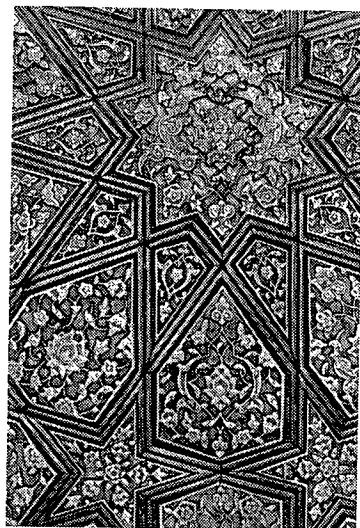
تصویر ۷ - نمای نزدیک از در داخلی بقعه شیخ صفی شامل کنده کاری در صفحه میانی بر اساس ترکیب بندی ترنجی با ساقه ضربدری

۲- صندوق مقبره شاه اسماعیل - هم اکنون در

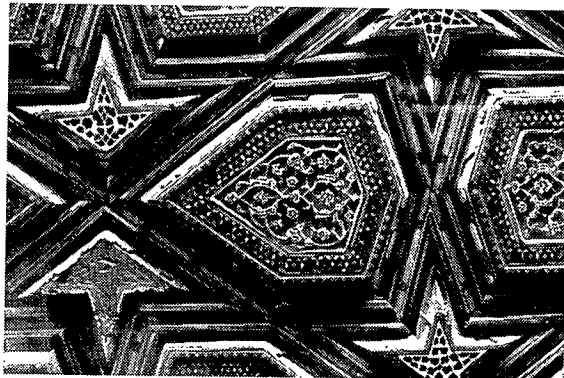
مجموعه مقبره شیخ صفی در اردبیل صندوق منبتی متعلق به مقبره شاه اسماعیل اول وجود دارد که در کتیبه آن به سال مشخصی اشاره نشده ولی مشخصات منبت کاری آن شباهت زیادی به آثار دوره شاه طهماسب دارد. تنها در قسمت پشتی آن عبارت عمل استاد مقصود علی... دیده می‌شود. وجود چنین نامی در روی این صندوق از یک سو و شباهت زیادی که منبت آن با اصول زیبا شناسی هنر ایران در دوره شاه طهماسب دارد. ساخت آن را در ایران و یا توسط هنرمندان ایرانی مسجل می‌سازد و احتمال ساخت توسط هنرمندان هندی را ضعیف می‌کند.



تصویر ۱۰- مربوط به در بقعه شاهزاده حسین - نمای ترسیمی از ترکیب بندی ترنجی متقارن بکار رفته در منبت کاری لفظ ها



تصویر ۹- نمای نزدیک از ناحیه میانی در ورودی بقعه شاهزاده حسین قزوین



تصویر ۸- نمای نزدیک از صندوق مقبره شاه اسماعیل اول - شامل ترکیب بندی ترنجی متقارن که با حمیل های ظریف و با تراکم و ذره گرایی زیاد در روی لفظ ها اجرا شده

به یک اندازه است. هنرمند سازنده تلاش نموده تا بر روی عناصر ایرانی منجمله گل شاه عباسی و غنچه اناری و برگ مو^{۱۴} تاکید نماید و در ترکیب بندی آنها نیز حالت ترنجی متقارن را مد نظر داشته باشد (تصویر ۹) و (تصویر ۱۰)

۴- در بقعه قطب الدین حیدر و امامزاده محروق-

از این مقطع زمانی حکومت شاه طهماسب چندین درمنبت شد موجود است که در نواحی شمال خراسان ساخته شده اند. رونق مجدد هنر منبت کاری در این زمان در شمال خراسان نشان می‌دهد که مکتب هنری به وجود آمده در مشهد و سبزوار سایر رشته های هنری این ناحیه را متأثر نموده است. از جمله این آثار می‌توان به در ورودی بقعه قطب الدین حیدر در تربت حیدریه متعلق به سال ۹۷۰ هجری) و در بقعه امامزاده محروق نیشابور متعلق به سال ۹۷۸ هجری اشاره نمود این دو در شباهت زیادی به هم دارند و به شیوه گره چینی ساخته شده‌اند. کتیبه های منبت شده بر روی این درها به خط ثلث و مضمون آن آیات قرآن و صلوات بر چهارده معصوم و چند شعر عرفانی است البته در این کتیبه ها اشاره به سال ساخت و محل ساخت در نیشابور دارد ولی سازنده مشخص نیست. اگر چه در این آثار همچنان ترکیب بندی ترنجی مورد تاکید است ولی از میان عناصر هنری ختایی ها غلبه بیشتری دارد.

۵- در صفا طهماسبی - از ناحیه شمال خراسان

در منبت شده دیگری نیز در موزه آستان قدس رضوی موجود است که متعلق به صفا شاه طهماسب بوده ولی سازنده و محل ساخت آن در کتیبه درج نشده. این در کلیه خصوصیات منبت کاری دوره شاه طهماسب (مکتب مشهد) را از نظر نوع اجرا و به کارگیری عناصر هنری در بردارد به همین دلیل احتمال می‌رود که در شمال خراسان ساخته شده باشد.

منبت انجام شده بر روی این در بسیار کم عمق بوده و دارای لبه های تیز در دور تا دور عناصر است^{۱۵} هنرمندان منبت کاری که در زمان پایتختی قزوین به این رشته هنری اشتغال داشته‌اند

ترکیبات اصلی این صندوق در ستاره های هشت پره (موسوم به اختر یا شمسه ایرانی) انجام شده و شامل منبتی بسیار ریز است که مشابهت کامل آن را در منبت کاری هند آن زمان نمی‌توان دید. عناصر مورد نظر شامل چنگ های دهن اژدری و گل های اناری به سبک صفوی زمان شاه طهماسب است (تصویر ۸).

۳- در بقعه شاهزاده حسین یکی از تحولات عمده ای

که منبت کاری سبک صفوی در مقطع سوم حکومت شاه طهماسب علاوه بر به کارگیری نمادهای ایرانی به وجود آمد در شیوه اجرایی آن موسوم به "تراش مقعر یا حمیل های نازک"^{۱۱} است که این شیوه از سال ۹۶۷ هجری در آثاری مثل در مقبره شاهزاده حسین به وضوح ملاحظه می‌گردد. اگر چه برخی کتیبه های منبت شده در این در بر اساس خط ثلث است ولی وجود کتیبه هایی به خط نستعلیق را می‌توان برای اولین بار از این زمان در منبت ایرانی شاهد بود^{۱۲} کتیبه های ثلث این در شامل صلوات بر چهارده معصوم است و در قسمتی از آن آمده " عمل علاء الدین محمد نجار رازی غفرلها" این مطلب نشان می‌دهد که هنرمند سازنده از اهالی راز مازندران بوده زیرا تمامی منبت کارانی که پسوند فامیلی رازی دارند مازندرانی هستند. کتیبه های نستعلیق این در عبارتند از: تحریر فی شهر رمضان المبارک سنه سبع و ستین و تسعمائه- تم هذا الباب فی زمان دولت سلطان الاعدل خلاصه اولاد خیر البشر رواج دهنده مذهب اثنی عشری ابوالظفر سلطان شاه طهماسب بهادر خان خلد الله ملکه سلطانه امر با تمام شد الله ابن درویش محمد طهرانی اصفهانی " که نشان می‌دهد این در به امر شاه طهماسب^{۱۳} در سال ۹۶۷ هجری به اتمام رسیده بوده.

این در به شیوه گره چینی بر مبنای نقش هندسی ده "تند" ساخته شده و روی کلیه نواحی آن منبت بسیار پرکاری انجام شده که بر پایه طرح اسلیمی و ختایی است، در این شیئی ارزشمند هنری میزان استفاده از اسلیمی ها و ختایی ها تقریباً

۶- در بقعه ابن الدین - بررسی منبت ایرانی از سال‌های ۹۸۰ هجری به بعد نشان می‌دهد که در منطقه گلپایگان نیز مکتبی شکل گرفته. از این دوران فقط سه شیئی در دسترس است که یکی از آنها درمی مربوط به امامزاده ابن الدین (از روستایی بین گلپایگان و خوانسار) بوده که در سال ۹۸۱ هجری به اتمام رسیده و هم اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود - چنانکه از کتیبه این در مشخص است شخصی بنام جلال الدین واقف این در بوده که با نام جلال الدین بیگلریگی زمان شاه طهماسب در آن منطقه تطبیق دارد. همچنین در ادامه این کتیبه به نام شمس الدین محمد جریادقانی به عنوان سازنده اشاره شده (تصویر ۱۲).

۷- در بقعه امامزاده عمران - در دیگر مربوط به مکتب گلپایگان هم اکنون در محل امامزاده عمران گوگرد^{۱۶} نگهداری می‌شود این در دارای چند کتیبه منبت شده براساس خط نستعلیق است. در کتیبه اصلی شعری با این مضمون آمده:

کان سعادت که از آن اهل کمالند

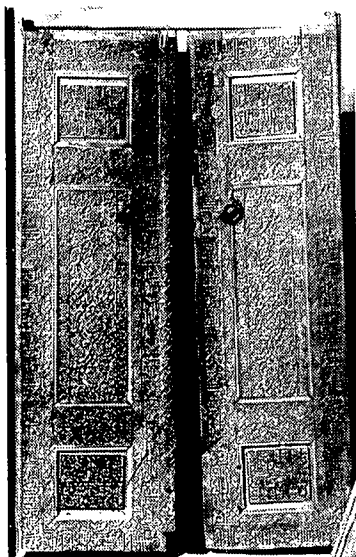
حاصل خلق جهان از در عمران علی است

که نشان می‌دهد عمران از خاندان حضرت علی (ع) است و احتمالاً به همین دلیل این بقعه در زمان شاه طهماسب مورد توجه بوده است. در ادامه کتیبه‌های این در به سال ۹۸۴ هجری یعنی آخرین سال زندگی شاه طهماسب اشاره نموده ساخت آن‌را به وسیله امیر حسین جریادقانی^{۱۷} مسلم ساخته است.

۸- در بقعه امامزاده ابوالفتح - در سوم که می‌توان آن‌را نقطه کمال نهایی منبت کاری دوران شاه طهماسب دانست مربوط به امامزاده ابوالفتح و انشان (بین گلپایگان و خوانسار) است. کتیبه موجود در روی این شیئی تاریخی ساخت آن‌را به قاسم حسین خوانساری نسبت می‌دهد و امام

به این شیوه تاکید زیادی دارند زیرا اولاً مشابه شیوه نقش‌گچبری‌های ساسانی است (مانند گچبری‌های کاخ کیش در سامرا) (pop, Arthur. 1355. p. 30) و دوماً از نظر زیبا شناسی این لبه‌های تیز باعث تاکید بصری شده و چون در روی همه عناصر موجود است نوعی وحدت بصری نیز بین همه عناصر ایجاد می‌کند.

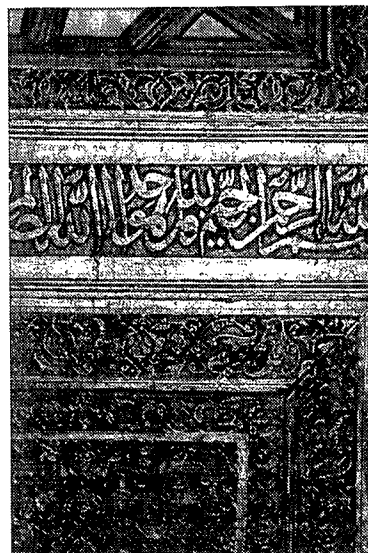
کتیبه منبت شده این در که به خط ثلث اجرا شده و مضمون آیات قرآنی و صلوات خاصه دارد. از نظر به کارگیری عناصر هنری مشابهت زیادی بین این در و چند در قبلی متعلق به خراسان دیده می‌شود، لیکن در این شیئی ارزشمند عناصر اسلیمی غلبه بیشتری دارند (تصویر ۱۱)، از طرفی وجود عناصر جدیدی چون سربند (صنوبری) که از حدود سال‌های ۹۸۰ هجری در هنر دوره صفوی رونق می‌گیرد احتمال ساخت این در حدود سال فوق را شدت می‌بخشد. چنانکه قبلاً اشاره شد عناصر اسلیمی بخشی از عناصر انتزاعی هنر سنتی ایرانند که دارای ساقه و چنگ می‌باشند، ساقه اسلیمی‌ها حالت خلزونی دارد و از یک عنصر هنری به نام "سربند" نشأت می‌گیرد، سربند‌ها اشکال مختلف دارند ولی نوع صنوبری آن از این زمان در هنر صفوی رونق می‌گیرد. سربند صنوبری به شکل قلب است (تصویر ۱۲) و با مفاهیم اسلیمی ارتباط زیاد دارد، زیرا گردش اسلیمی به عنوان نمادی برای جستجوی روح جهت رسیدن به حقیقت تلقی می‌شود (Bakhtiar, Laleh. 1999. pp. 9899) بنابراین نشأت گرفتن ساقه اسلیمی از سربند صنوبری می‌تواند به این معنی باشد که جستجوی حقیقت از دل انسان نشأت می‌گیرد. این موضوع یکی از اعتقادات طریقت صفوی است که این گونه توسط هنر آنان به رمز درآمده و به عنوان یکی از ویژگی‌های سبک صفوی مطرح گشته است.



تصویر ۱۳ - نمای کامل از در بقعه ابن الدین



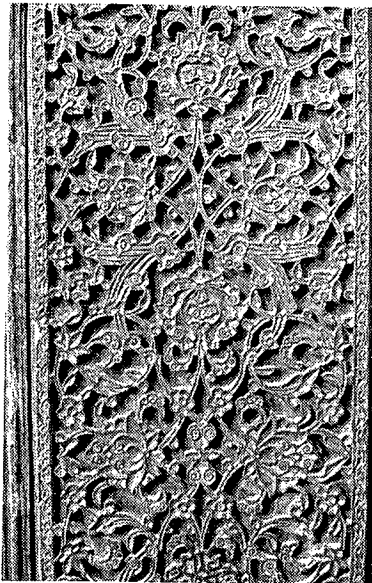
تصویر ۱۲ - نمای ترسیمی ساده از سربند صنوبری



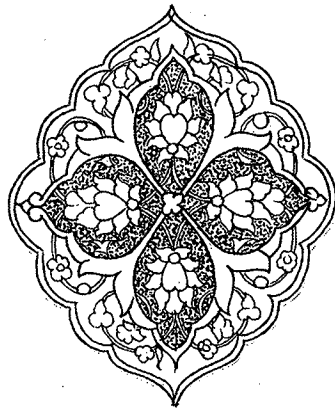
تصویر ۱۱ - نمای نزدیک از در مربوط به صفا شاه طهماسب در حرم رضوی (ع)

اشاره شد. از لحاظ عناصر به کار رفته میزان به‌کارگیری اسلیمی‌ها و ختایی‌ها تقریباً برابر است ولی بر روی دو عنصر یعنی اسلیمی دهن‌اژدری^{۱۸} و گل‌شاه عباسی تأکید زیاد شده است. از طرفی این عناصر به نحوی با هم ترکیب شده‌اند که حالتی ترنجی را در ذهن القامی کند. (تصویر ۱۴ و ۱۵) این حالت در روی در ورودی امامزاده عمران گوگرد شدیدتر است حتی کلیه اجزاء در یک کادر ترنجی مشخص جای گرفته است.

جلال‌الدین به عنوان واقف نام برده که وی در سال ۹۸۴ هجری از طرف شاه طهماسب بیگلربیگی منطقه بوده و ساخت این در را دستور داده ولی چنانکه در این کتیبه مشخص است این در ارزشمند در سال ۹۹۰ هجری به اتمام رسیده است. بر روی هر سه درهای اخیر علاوه بر کتیبه می‌توان انبوهی از منبت‌کاری کم‌عمق که بر اساس نقوش اسلیمی و ختایی اجرا شده را ملاحظه نمود. منبت این سه در به صورت پرکار و همگی از نظر اجرا دارای لبه‌های تیزی هستند که قبلاً به چگونگی آن



تصویر ۱۶ - نمای نزدیک از صفا میانی در ورودی امامزاده ابوالفتح - وانشان شامل ترکیب بندی ترنجی بکار رفته در این ناحیه و روسازی با حمیل‌های ظریف



تصویر ۱۵ - مربوط به در ورودی امامزاده عمران - نمای ترمیمی از ترکیب بندی ترنجی با ساقه ضربدری بکار رفته در منبت‌کاری این در



تصویر ۱۴ - نمای نزدیک از ناحیه میانی در بقعه امامزاده عمران گوگرد - در این ناحیه عناصر منبت‌شده در داخل یک کادر ترنجی کنگره دار جای گرفته است

نتیجه‌گیری

در مقطع دوم آباده و کاشان و نور در مقطع سوم آباده، خراسان و گلپایگان است.

- **کتیبه‌ها** - کلیه آثار منبت شده دارای کتیبه‌هایی مذهبی شامل آیات قرآنی و صلوات بر چهارده معصوم هستند که تأکید مستقیم بر معصومین شیعه دارد. خط مورد نظر کتیبه‌ها ثلث است ولی از سال ۹۶۷ هجری (در شاهزاده حسین قزوین) برای اولین بار خط نستعلیق اجرا شده، این ویژگی را می‌توان از خصوصیات منبت سبک عصر مورد تأکید است.

- **نقش هندسی ده تند** - در آثار مذکور چند نوع نقش هندسی به عنوان مبنایی برای نجاری و کنده‌کاری مورد تأکید است. نقش هندسی گره ده تند از جمله نقوشی است که شمشه‌های ده‌پره دارد و تلویحاً به عدد ۱۰ اشاره می‌کند. عدد

چنانکه در چگونگی ویژگی‌های آثار منبت شده دوران شاه طهماسب ملاحظه گردید هنرمندان منبت‌کار آن عصر صرفاً در پی تزئین آثار چوبی نبوده بلکه در پی دستیابی به سبکی بوده‌اند که بر پایه اعتقادات مذهبی و تعصبات ملی آن واقع شده باشد و به همین دلیل در ساختار زیباشناسی هنر منبت خود از ویژگی‌های خاصی استفاده کرده‌اند. در اینجا جهت تحلیل عمیق‌تر و نتیجه‌گیری به تشریح خصوصیات پراکنده می‌شود که در ساختار سبک منبت آن عصر مورد تأکید است

- **مراکز تولید** - هیچ‌یک از پایتخت‌های دوران شاه طهماسب یعنی تبریز و قزوین در دوران سلطنت وی به عنوان مرکزی برای منبت‌کاری مطرح نیستند. مهم‌ترین مراکز اجرای هنر منبت در مقطع اول حکومت شاه طهماسب آران و ایبانه و نور مازندران و

منبت بلکه در سایر رشته های هنری این دوران به گونه ای مختلف به کار رفته، ترنج در آثار منبت شده این عصر گاهی به صورت کادری مشخص (ساده یا کنگره دار) در آمده و گاهی در اثر ترکیب ساقه های اسلیمی و ختایی به وجود آمد. ترنج شکلی است که یک راس به سمت بالا و راس دیگر به سمت پایین دارد، از نظر اهل طریقت راس بالایی نشانه از رشد و تعالی روح انسان به سوی حقیقت دارد و راس پایینی بیانگر نزول رحمت از جانب الهی است. (Bakhtiar, Laleh. 1999. p:1219) ترنج می تواند انتزاع یافته بسیاری از اشکال طبیعت باشد. در بقعه شیخ صفی اشکال سرو مانند را می توان یافت که در اثر انتزاع حالتی ترنج مانند به خود گرفته بنابراین احتمال زیاد می رود که علاقه هنرمندان صفوی به اشکال و ترکیب بندی های ترنجی علاوه بر مفهوم یاد شده بر گرفته آن از درخت سرو باشد.

- ترکیب بندی ترنجی - یکی از ترکیب بندی های ترنجی مورد تاکید در منبت کاری صفوی نوع ساقه ضربداری آن است. این ترکیب در هنر قبل از حکومت شاه طهماسب نیز دیده شده ولی از این زمان به شکل صفوی خود متحول می شود و منسوب به خود شاه طهماسب است. این ترکیب در مقطع سوم حکومت شاه طهماسب به پرکارترین حالت می رسد به نحوی که می توان چندین ترنج تو در تو را در آن ملاحظه نمود.

- عناصر ختایی - علاوه بر کتیبه ها و نقوش هندسی تنها عنصری که بر روی اشیاء منبت این دوره دیده می شود شامل نقوش اسلیمی و ختایی هاست که هر دو دارای ساقه های حلزونی هستند و از نظر زیبا شناسی باعث گردش دید در متن کادر می شوند. منبت کاران عصر شاه طهماسب از میان عناصر ختایی بیشتر به آنهایی (مانند گل پنج پر گرد، دالبردار، گل اختر، گل و غنچه شاه عباسی) پرداخته اند. که مشابه و منشائی در هنر ساسانی دارد و نسبت به عناصر ختایی چینی که در منبت دوران ایلخانی و گورگانی رایج بوده (مانند گل کوکب، زنبق و میخک) بی اعتنا هستند، یکی از عناصر ختایی که به میزان زیادی در منبت این دوره (به خصوص مقطع سوم) به کار می رود گل اناری است، البته گل اناری به طور اولیه در نقش برجسته های ساسانی (مثل کاخ کیش در سامرا) دیده می شود (pop: Artur. 1355. p:16) (تصویر ۱۷) لیکن منبت کاران این عصر این گل را با حالتی جدید (که دارای پره های زیاد و پرکارتر است) به کار بردند. گل اناری، غنچه اناری و برگ مو سه عنصر ختایی هستند که از ویژگی های منبت سبک صفوی به شمار می روند.

- عناصر اسلیمی - اسلیمی ها نیز از عناصر مورد علاقه منبت کاران دوره طهماسبی است. اسلیمی های به کار رفته در منبت کاری قبل از مقطع سوم دوره شاه طهماسب شباهت زیادی به اسلیمی های منبت دوره گورگانی دارد ولی از این دوران با اضافه شدن پیچک هایی (مشابه بال های اجرا شده در نقش برجسته های طاق بستان) به شکل جدید (که می توان نام آن را شیوه صفوی نهاد) به کار رفتند.

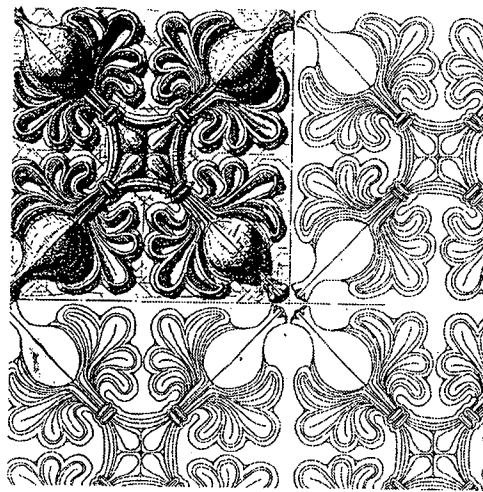
به از جمله اعدادی است که از نظر اکثر فرق صوفیه مورد توجه بوده زیرا اهل طریقت معتقدند که یک جستجوگر حقیقت از مرحله اولیه سلوک که شامل تزکیه نفس است برای رسیدن به مرحله نهایی آن که فنای الله است ده مرحله را طی می نماید. (Bakhtiar, Laleh. 1999. pp.96D97) عدد ده از دیدگاه صوفیان طریقت صفوی و هنرمندان پیرو آنها که به " اصحاب حرف " مشهورند نیز مورد تاکید است، عدد ده از نظر قرآن نیز عدد کاملی است زیرا در سوره اعراف آیه ۱۴۱ از حضرت موسی بی خواهد تا با اضافه شده ده روز عبادتش را به کمال برسد. این موضوع را می توان در نقوش هندسی اجرا شده در بقعه شیخ صفی و بقعات مربوط به شیوخ و طرفداران آن مانند مقبره چهار پادشاهان و در سایر عناصر مربوط به رشته های هنری مانند گره چینی که به سبک صفوی انجام شده اند ملاحظه نمود. به علاوه در نقش گره ده تند یک شکل هندسی شمسه مانند پدید می آید که انتزاع یافته فرم خورشید است. خورشید از جمله نمادهایی است که آیین مهر باستان را در ذهن تداعی می کند.

- نقش هندسی هشت و طبل - یکی دیگر از اشکال هندسی مورد علاقه در منبت دوران شاه طهماسب نقش هندسی هشت و طبل است که در آن شمسه ای هشت پره در میان قرار گرفته و اشکال هندسی دیگر موسوم به طبل فضای اطراف آن را پر می کند. شمسه هشت ایرانی از جمله نقوش اقتباس شده از هنر اقبل از صفوی است (pop, Arthur. 1355. p:180) که در دوره اسلامی با نام " اختر " به کار رفته است. ^{۱۹} نقش شمسه ایرانی مشابه و احتمالاً انتزاع یافته گل هشت پره اختر است و بر عدد هشت (که در ایران باستان مورد توجه بوده) اشاره دارد (Bakhtiar: Laleh. 1999. p:90) البته خود گل اختر نیز با انتزاع کمتر در هنر منبت دوران شاه طهماسب به عنوان یکی از گل های ختایی اجرا شده است.

- نقش هندسی دوازده تند - از جمله نقوش هندسی دیگری که در منبت کاری دوران شاه طهماسب برای اولین بار دیده می شود نقش هندسی دوازده تند است که دارای شمسه های دوازده پره می باشد. این نقش در دوران صفوی تاکید شده و چون بر عدد ۱۲ اشاره دارد توجه خاص هنرمندان این دوره را به دوازده امام شیعه که منطبق بر دوازده ماه سال و دوازده برج فلکی نیز هست می رساند.

- شیوه اجرایی - تکنیک اجرایی منبت کاری در مقطع اول و دوم حکومت شاه طهماسب هنوز شکل بلوغ یافته خود را ندارد ولی از مقطع سوم لبه های برآمده در دور عناصر (که به حمیل معروفند) بسیار ظریف شده و از نظر ظاهری شباهت زیادی به قلم گیری نگارگری های این دوران پیدا می کند. این وضعیت از مشخصات زیبا شناسی منبت کاری صفوی و از خصوصیات سبک آن قلمداد می شود.

- اشکال ترنجی - یکی دیگر از اشکال مورد علاقه هنرمندان منبت کار دوره طهماسبی حالت ترنجی است که نه تنها در هنر



تصویر ۱۷- نمای ترسیمی از گچبری های کاخ ساسانی کیش

پی‌نوشت‌ها :

- ۱ به عقیده راجر سیوری و چند تن دیگر از صاحب نظران این ارتباط در اثر ازدواج امام حسین(ع) با دختر یزدگرد سوم حاصل شده‌است.
- ۲ منطقه جوشقان در زمان صفویه نه تنها از لحاظ منبت کاری رونق دارد بلکه به عنوان یکی از مراکز طراحی و بافت فرش کاشان نیز شهرت داشته‌است.
- ۳ "گره چینی" شیوه‌ای از نجاری ایرانی است که برای اجرای آن قطعات هندسی مطابق طرح موردنظر به هم متصل می‌شوند تا شکل کامل شیئی ایجاد شود.
- ۴ اسلیمی‌ها و ختایی‌ها دو بخش اصلی از طرح‌های سنتی ایران را تشکیل می‌دهد. ختایی‌ها شباهت زیادی به مخلوقات طبیعت دارند و شامل عناصری گل و برگ مانند هستند که به مقدار کمی انتزاع شده‌اند از این رو در هنر سنتی ایران برای بیان مفاهیم طبیعی به کار می‌روند، در حالی که اسلیمی‌ها انتزاعی‌ترند و شباهت کمتری به طبیعت دارند و شامل عناصری چون چنگ‌ها هستند از این در هنر سنتی ایران برای بیان مفاهیم فوق طبیعی استفاده می‌گردد. کلیه نقوش سنتی دارای یک یا چند ساقه‌اند. لذا در ابتدا ساقه را براساس ترکیب بندی موردنظر ترسیم نموده و سپس عناصر را برآن قرار می‌دهند.
- ۵ در این ترکیب بندی که در زمان شاه طهماسب به تکامل می‌رسد چهار چنگ اسلیمی بر چهار ضلع لوزی فرضی محاط است و ساقه چنگ‌ها به سمت مرکز لوزی کشیده شده‌است.
- ۶ اگرچه این گل به "شاه عباسی" معروف است ولی قبل از حکومت شاه عباس نیز اجرا می‌شده و احتمالاً به "اناری" معروف بوده‌است.
- ۷ این تحقیق در سال ۱۳۸۲ توسط خانم حشمت کفیلی در موزه آستان قدس رضوی انجام شده‌است.
- ۸ دماغه قطعه‌ای چوبین است که در لبه یکی از این دو لنگه نصب می‌شود تا به هنگام بستن تکیه گاهی برای لنگه دیگر باشد
- ۹ "قاب و صفحه" شیوه‌ای است در نجاری سنتی است که براساس آن شیئی چوبی به چند قاب تقسیم می‌شود و در داخل هر قاب یک صفحه چوبی قرار می‌گیرد.
- ۱۰ منبت کم عمق از مشخصات منبت کاری دوره سوم حکومت شاه طهماسب است، در این نوع منبت کاری عمق یا میزان کنده کاری زمینه ندرتاً به ۱۰ میلی‌متر می‌رسد.
- ۱۱ در این شیوه هر یک از عناصر هنری مثل: گل‌ها و برگ‌ها به نحوی کنده کاری می‌شوند که حالتی (مقعر) پیدا کند، البته حالت مقعر در منبت کاری مقاطع زمانی نیز ندرتاً دیده شده ولی در این زمان لبه‌هایی که دور تا دور قسمت مقعر اجرا می‌گردد و به حمیل معروفند کاملاً تیزند.
- ۱۲ همزمان با این در می‌توان اجرای منبت براساس خط نستعلیق را بر روی در دیگری متعلق به قندیل خانه مقبره شیخ صفی نیز مشاهده نمود که شامل اشعار فارسی در مدح چهارده معصوم است.
- ۱۳ کتیبه موجود بر روی صندوق مقبره شاهزاده حسین قزوین که در اواخر قرن هشتم ساخته شده نشان می‌دهد که این شخص

- از پیروان طریقت در قزوین بوده و احتمالاً به همین دلیل مورد توجه شاه طهماسب قرار گرفته بود.
- ۱۴ "برگ مو" از جمله عناصر هنری ساسانی است که در دوران شاه طهماسب به شکل جدید به منبت صفوی وارد می شود.
- ۱۵ این شیوه نقش برجسته سازی از خصوصیات گچبری های شیوه ساسانی است.
- ۱۶ گوگرد از توابع گلپایگان است.
- ۱۷ جربادقان نام قدیم گلپایگان است.
- ۱۸ اسلیمی دهن از دری نوعی چنگ اسلیمی است که به خاطر شباهتش به دهان مار به این نام مشهور شده. چنگ های دهن از دری از دوران شاه طهماسب دارای اجزایی به نام پیچک هستند که مشابه آن در بال های ساسانی دیده می شود.
- ۱۹ طی مصاحبه ای که در سال ۱۳۶۸ با آقای دکتر کریم پیرنیا انجام شد ایشان در مورد نام این شمشه که در هنر دوران اسلامی نیز بسیار به کار رفته به کلمه (اختر) اشاره نمودند. در ضمن شمشه ایرانی نیز از نظر شباهت می تواند انتزاع یافته همین گل باشد.

فهرست منابع :

- ریاض الاسلام، ربک (۱۳۴۹)، "روابط هند و ایران" تهران، نشر مرکز.
- ستوده، منوچهر (۱۳۵۱)، "از آستارا تا استرآباد" تهران، انجمن آثار ملی.
- سیوری، راجر (۱۳۷۴)، "ایران عصر صفوی" ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- صفوی، امرالله (۱۳۶۳)، "تذکره شاه طهماسب" (چاپ دوم)، تهران، انتشارات مشرق.
- کنبای، شیلا (۱۳۸۱)، "نگارگری ایرانی"، ترجمه: مهناز شایسته فرد، تهران، مطالعات اسلامی.

Bakhtiar, Laleh (1999), "sufi : London", thames and Hundson.

Pop, Arthur (1355), "A Survey of Persian Art", Tehran, Soroush, vol:x111.

R.M. Savory (1961), "The Principal Offices of the Safawid State During the Reign of Shah Tehmasp", School of Oriental Studies, See to : Iran under the Safavids.